

جادو یعنی این...

حقیقت مجازی!

گیتی صف‌زاده

اغلب مردم فکر می‌کنند کشف حقیقت خوب است. ما هم منکر این نیستیم که با هر کشف جدید علمی یا غیرعلمی، زندگی بشر شکل‌ها و معناهای تازه پیدا می‌کند؛ اما چیزی که نمی‌توانیم فراموش کنیم، این است که خیلی از این کشف و شهودها برای کاشفانشان گرفتاری درست کرده‌اند. از کالیه که کشف گردش زمین به دور خورشید باعث محاکمه‌اش شد تا عین‌القضات همدانی که بدعت‌ها و کشفیات شهودی‌اش، جانش را بر سر دار کرد. در حقیقت به نظر می‌آید کشف هر ماجرای همیشه قربانی به همراه داشته است؛ اگرچه در درازمدت ارزش کشف مشخص و معلوم بشود.

خیلی از اوقات کشف حقیقت دامن کاشف را نمی‌گیرد؛ بلکه گروهی از آدم‌های دیگر را گرفتار می‌کند. این یکی از مورد‌های قبلی هم ناراحت کننده‌تر است؛ چون معلوم می‌کند اغلب کشف حقیقت به‌جای ایجاد عمل، باعث عکس‌العمل می‌شود. مثلاً ما فکر می‌کنیم همین که کشف و معلوم می‌شود علت آلودگی هوای تهران وجود خودروهای متعدد و غیراستاندارد است، به یک نتیجه خوب می‌رسیم و احتمالاً تصمیم گرفته می‌شود خودروها بهتر شوند یا تولیدشان کمتر یا وضعیت حمل‌ونقل عمومی بهتر شود؛ اما وقتی فردا صبح برای رفتن به سرکار با ازدحام وحشتناک در وسایل نقلیه عمومی مواجه می‌شویم، می‌فهمیم بهترین راهکار اتخاذشده برای این کشف، این بوده که بخش زیادی از شهر برای خودروهای شخصی قابل تردد نباشد و در نتیجه شما هوای همچنان آلوده را آن روز همراه با فشار جمعیت در داخل اتوبوس و مترو تحمل می‌کنید. یا فرض بفرمایید یک بنده خدای کنجکاوی کشف می‌کند بعضی از افراد خانه‌های غیرطبیعی دریافت می‌کنند؛ شما فکر می‌کنید کشف این حقیقت باعث می‌شود این کار متوقف شود یا خانه‌ها برگردانده شود؛ اما بعد می‌فهمید توقع زیادی داشته‌اید. همین دو نمونه ساده نشان می‌دهد که تبعات کشف حقیقت اصلاً دوست و غریبه نمی‌شناسد و همین موضوع هم باعث می‌شود عده‌ای عقیده داشته باشند زیاد هم نباید دنبال کشف حقیقت رفت. می‌گویند وقتی فیثاغورث کشف کرد که جذر عدد دو، عددی گویا نیست، آن‌قدر تحت‌تأثیر قرار گرفت که دستور داد صد گاو قربانی کنند. از آن‌موقع تا به حال، هر وقت حقیقت تازه‌ای کشف می‌شود، گاوها به خود می‌لرزند.

شترت روزنامه

www.sharghdaily.ir

شنبه • ۲۵ دی ۱۳۹۵ • ۱۵ ربیع‌الثانی ۱۴۳۸ • ۱۴ ژانویه ۲۰۱۷ • سال چهاردهم • شماره ۲۷۷۶ • ۲۰ صفحه
اذان ظهر تهران ۱۲:۱۳ • اذان مغرب ۱۷:۳۳ • اذان صبح فردا ۵:۴۵ • طلوع آفتاب ۷:۱۳

روزنامه‌فرو

fardashargh@gmail.com

کارتون خواب

مهدی عزیزی

مجلس شورای اسلامی اختیارات سازمان محیط زیست را افزایش داد



با



پرداخت کن!!
"تجارت پی" تعریفی نو از پرداخت



بانک تجارت

با نصب موبایل بانک تجارت
و اسکن کد خرید در "تجارت پی" متفاوت پرداخت کنید

روابط عمومی
مرکز ارتباط با مشتریان ۱۵۵۴
www.tejaratbank.ir

پشت جلد

مکتب سیاسی هاشمی رفسنجانی

جایی بین این دو نقش‌آفرینی کند، اعتماد هر دو را کسب کند و نقاط اتصال را مرتباً افزایش دهد. این کار یک سیاستمدار برجسته است. سیاست فقط تغییر، کنترل فساد، پاسخ‌گویی و امثال آن- به توافق برسد. در نتیجه اگر از بُعد اندیشه سیاسی نگاه کنیم، مسئله اصلی، وجود امکان تقاطع‌های مهمی برای «توافق» است، در غیر این صورت، فاصله بین این دو رکن به‌سادگی کاهش نمی‌یابد. مرحوم آقای هاشمی‌رفسنجانی یکی از معدود سیاستمدارانی بود که اهمیت این مسائل را به‌خوبی درک می‌کرد. از این نظر او یک سیاستمدار دوراندیش بود. به گمان من، اصل سیاست البته همین‌گونه معنا می‌یابد وگرنه سیاستمداری که فقط امروز را می‌بیند و افق فکر و اندیشه‌اش از لحظه و ساعت فراتر نمی‌رود اساساً نقشش در سیاست کوچک و محدود است و دریغاً که چنین سیاستمدارانی در اطراف ما کم نیستند. بگذریم! مرحوم آقای هاشمی در چند سال پایانی عمر همواره در اندیشه کاستن از فاصله نهاد قدرت و مردم بود. او تلاش می‌کرد در

ندارد. باید مکانیسم‌هایی تعبیه شود که نهاد قدرت و جامعه بتوانند در نقاط مهمی - مثل توزیع و گردش، رقابت‌های آزاد و عادلانه، نحوه اصلاح و تغییر، کنترل فساد، پاسخ‌گویی و امثال آن- به توافق برسد. در نتیجه اگر از بُعد اندیشه سیاسی نگاه کنیم، مسئله اصلی، وجود امکان تقاطع‌های مهمی برای «توافق» است، در غیر این صورت، فاصله بین این دو رکن به‌سادگی کاهش نمی‌یابد. مرحوم آقای هاشمی‌رفسنجانی یکی از معدود سیاستمدارانی بود که اهمیت این مسائل را به‌خوبی درک می‌کرد. از این نظر او یک سیاستمدار دوراندیش بود. به گمان من، اصل سیاست البته همین‌گونه معنا می‌یابد وگرنه سیاستمداری که فقط امروز را می‌بیند و افق فکر و اندیشه‌اش از لحظه و ساعت فراتر نمی‌رود اساساً نقشش در سیاست کوچک و محدود است و دریغاً که چنین سیاستمدارانی در اطراف ما کم نیستند. بگذریم! مرحوم آقای هاشمی در چند سال پایانی عمر همواره در اندیشه کاستن از فاصله نهاد قدرت و مردم بود. او تلاش می‌کرد در



کریم ارغنده‌پور

مرحوم آقای هاشمی کسی نیست که بتوان شش دهه فعالیت سیاسی مؤثر او را در یک یادداشت کوتاه خلاصه کرد. این نقدی است که من در روزهای گذشته به بسیاری از گفت‌وگوهای رسانه‌ها داشته‌ام. این یادداشت هم فقط بنا دارد از زاویه روابط قدرت و جامعه به کار او نگاه کند و بس. نزدیکی دولت و ملت یا کاستن از فاصله بین این دو یک اولویت مهم سیاسی در همه دنیاست. در کشور ما این فاصله جز مقاطع کوتاهی همواره به‌گونه‌ای بوده که بحث‌های زیادی در محافل سیاسی برانگیخته است. گاهی پاره‌ای تصور کرده‌اند نزدیکی مردم به نهاد قدرت چیزی جز تن‌دادن به منافع قدرتمندان نیست، من با این گزاره موافق نیستم. کاهش فاصله دولت- ملت یک حکم طرفینی است وگرنه امکان وقوع مطلوب

نکته

اشک‌ها و خبرنگارها

گیسو صفوری

تنها چند روز دیگر اوباما کاخ سفید را به ترامپ می‌سپارد. اوباما در آخرین سخنرانی‌اش هم خودش اشک‌های فراوانی ریخت و هم مردم حاضر در مراسم. همچنین برای تکریم معاونش، جو بایدن، به او نشان «آزادی» ریاست‌جمهوری اعطا کرد که توانست اشک او را دریاورد. از سوی دیگر ترامپ، رئیس‌جمهور منتخب، پس از پنج ماه نشست خبری‌اش را برگزار کرد. آن‌هم در روزی که به اتهام داشتن رفتاری خارج از عرف و همکاری با روسیه در بیشتر رسانه‌های مجازی و شنیداری و دیداری در معرض اتهام بود. هرچند این اولین‌بار نبود که ترامپ دچار این ماجرا شده بود. ترامپ چالش‌های زیادی داشته: حضور نایفتم همسرش ملانیا در کاخ سفید، واگذاری سمت مشاور ارشد به دامادش و از همه مهم‌تر ماجرای رسوایی که هم خودش و هم روسیه آن را تکذیب می‌کنند.



او قرار است در ۹۰ روز درباره هک انتخابات گزارشی تهیه و ارائه کند. گزارشی که به نوعی درباره اتهامی که به او زده می‌شود هم هست. اما در نشست خبری ترامپ از منظر دیگر مورد توجه قرار می‌گیرد، نحوه رفتارش با خبرنگاران؛ به گونه‌ای که بی‌بی‌سی این نشست خبری را یک تاتار ایزورد نامیده است. ترامپ به خبرنگار سی‌ان‌ان اجازه نداد سؤال بپرسد و آنها را متقلب نامید و البته جیم اکوستا از سوی تیم مطبوعاتی ترامپ تهدید شده بود اگر بار دیگر علیه ترامپ هم سخن بگوید، از حضور در نشست‌ها منع خواهد شد. ترامپ که معمولاً یک هدف برای تخریب خبرنگاران در نشست‌هایش مدنظر قرار می‌دهد، این بار نیز این رفتار را داشته است. همچنین وقتی خبرنگار بی‌بی‌سی، یان پتل، پشت تریبون قرار گرفت، او را این‌طور مورد خطاب قرار داد: «این هم یک زیبای دیگر». هرچند او ادعا کرده است: «احترام زیادی برای مطبوعات و آزادی بیان قائل است»، اما تهدید هم کرده است: «با تخریبات سازمان‌یافته مقابله می‌کند». ترامپ در هفته اخیر از سوی بازنگران سرشناسی همچون مریل استرپ و جورج کلونی هم مورد اعتراض قرار گرفته است؛ به گونه‌ای که مریل استرپ درخواست کرد در روزهای آینده با سرکار آمدن ترامپ، هالیوود و خبرنگاران به یکدیگر برای آزادی بیان و از دست‌نرفتن آمریکا نیاز دارند. از یک هفته دیگر نیز تظاهرات مایکل مور در مخالفت با ترامپ آغاز می‌شود. همچنین اما استون و ناتالی پورتمن دعوت کردند که مردم و علاقه‌مندان به کمپین «من زنده می‌مانم» بپیوندند. در این فراخوان آمده است: «با ریاست‌جمهوری دونالد ترامپ، من زنده می‌مانم» هرچند نیکول کیدمن در مصاحبه با بی‌بی‌سی گفته است: «اکنون زمان حمایت از ترامپ و کنارگذاشتن مخالفت‌هاست». شاید برای ما که تجربه‌هایی نظیر این رفتارها را در دولت نهم و دهم داشته‌ایم، پیداکردن جواب برای اشک‌های جو بایدن و باراک اوباما و دلیل تلاش‌های چهره‌های مشهور برای مخالفت با ترامپ قابل تحلیل باشد.

پشت تاریخ

موتورسواری به سبک زنان

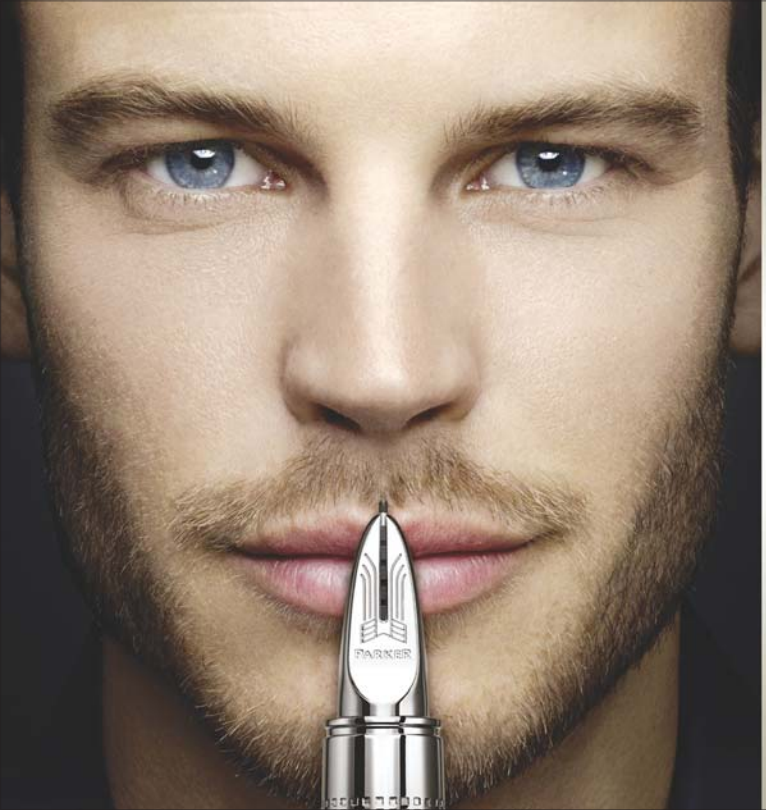
محمدعلی طالبی

حوالی سال ۸۶ فیلم «دیوار» برای اکران و پروانه نمایش به مشکل خورد، موضوعی که باعث بروز حاشیه‌هایی برای این فیلم شد، نشستن بازیگر زن فیلم روی موتورسیکلت بود. آن زمان اعتقاد ما بر این بود که اختلافی میان زن و مرد برای رانندگی موتورسیکلت وجود ندارد. اگر مردها می‌توانند راکب موتور باشند، زن‌ها هم می‌توانند با حفظ موازینی که قانون تعیین کرده، این کار را انجام دهند. از طرفی، ایده اصلی ساخت این فیلم براساس واقعیات جامعه بود. همان زمان در برخی از پارک‌های تهران، زنانی بودند که در قالب برنامه‌های سرگرمی شهرداری‌ها، با موتور رانندگی می‌کردند و حرکات آکروباتیک را به نمایش می‌گذاشتند. بنابراین، «دیوار» براساس زندگی دخترانی ساخته شد که شغلشان این بود و از راه آن، نان درمی‌آوردند.



اما از همان ابتدا، فیلم با مخالفت‌ها و حاشیه‌هایی همراه شد و بسیاری درک نکردند که پرداختن به این موضوع، انجام وظیفه سینما در قبال بخشی از معضلات اجتماعی و چالش‌های فرهنگی کشور است. یکی از مخالفان سرسخت این فیلم، سردار رویانیان بود که آن زمان فرماندهی پلیس راهنمایی و رانندگی را برعهده داشت. ایشان نامه‌ای نوشته و خواستار ممانعت از اکران فیلم شده بودند تا به قول معروف، فیلم بخوابد! آن زمان هم اگر درست به خاطر داشته باشید، شرایط به‌گونه‌ای بود که وزارت ارشاد در زمینه سینما چندان نقش مؤثری نداشت و تصمیمات درباره سینما بیرون از این وزارتخانه گرفته می‌شد. در نهایت هم فیلم براساس همین حب‌وبغض‌ها، با ۳۰ مورد سانسور همراه شد و مخالفان آن، با نحوه اکران بد فیلم که به زمین‌خوردن آن انجامید، نشان دادند که تنها به سانسور اکتفا نمی‌کنند.

اگر تاریخ معاصر را مرور کنید، شاهد خواهید بود که جامعه ما با مشکلاتی در این سال‌ها روبه‌رو بوده که بازداشت دو زن موتورسوار در دزفول، در برابر آنها چندان به چشم نمی‌آید، اما شنیدن خبرهایی مشابه با این، به ما یادآوری می‌کند که اگر مانع از فعالیت‌های هنری فرهنگ‌ساز در جامعه نمی‌شدند، امروز شاهد بروز چنین ماجراهایی نبودیم. شاید اگر آن سال‌ها، بر سر راه اکران فیلم «دیوار» سنگ‌اندازی نمی‌شد، امروز جامعه شونده خبر بازداشت دو زن موتورسوار نبود. سینما در روزگاری می‌توانست نقش فرهنگ‌ساز خود را در جامعه ایفا کند و با نمایش آثاری که روی معضلات اجتماعی تمرکز کرده‌اند، نقشی فعال در بدنه جامعه داشته باشد، اما چنین نقشی در آن سال‌ها، به فراموشی سپرده شد و طبیعی است که امروز اخبار بحران‌های اجتماعی، یکی بعد از دیگری به گوش می‌رسد.



پارکر
PARKER



امور مشتریان: ۶۱۹۸۷۰۰۰

www.parker.co.ir

www.bidar.com

@parkeriran